توسعه ایرانی
روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خبرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
زیرنظر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۶۶۹۵۶۶۰۰(۰۲۱)
نشانی سایت: toseeirani.ir
اینستاگرام: @tosee_irani
ایمیل: toseirani@gmail.com

منهای فوتبال

فینال‌های جذاب لیگ فرنگی و آزاد

لیگ برتر کشتی فرنگی این هفته به ایستگاه پایانی می‌رسد و سالن هفتم تیر تهران قرار است پنجشنبه میزبان چهار تیم استقلال قم، نفت و گاز زاگرس جنوبی، دانشگاه آزاد خوزستان و رعد پدافند ارتش باشد. مسابقات امسال اما یک تفاوت مهم با فصل قبل دارد؛ هیچ‌کدام از تیم‌های حاضر سراغ جذب کشتی‌گیر خارجی نرفتند و برخلاف سال گذشته که چهره‌های مطرح ارمنی و روسی در ترکیب تیم قهرمان دیده می‌شد، فینال امسال کاملا ایرانی برگزار می‌شود.

موضوع دیگر، غیبت ملی‌پوشان است. با اینکه ۱۰ فرنگی‌کار تیم ملی در سال ۲۰۲۵ برای ایران در جهانی زاگرب روی تشک رفتند و بیشترشان هم مدال گرفتند، فعلا هیچ‌یک حضورشان در مرحله پایانی لیگ را قطعی نکرده‌اند. دلیلش هم روشن است؛ پیشنهادهای مالی پایین و بودجه محدود تیم‌ها باعث شده ملی‌پوشان علاقه چندانی به حضور در این مرحله نداشته باشند.

در این میان تنها صحبت‌هایی درباره احتمال حضور دو ملی‌پوش شیرازی در ترکیب تیم نفت و گاز مطرح شده است. اگر شرایط مالی تیم بهتر شود، احتمال دارد این دو نفر روز مسابقه روی تشک بروند، هرچند شنیده می‌شود حتی اگر کشتی نگیرند، در کنار تیم‌شان در سالن حاضر خواهند بود. مرحله پایانی لیگ کشتی فرنگی بدون خارجی‌ها برگزار می‌شود، احتمال حضور ملی‌پوشان پایین است و بار اصلی مسابقات روی دوش کشتی‌گیران باشگاهی خواهد بود. این پایان، رنگ تازه‌ای به لیگ امسال می‌دهد.

اما تنها فینال جذاب متعلق به کشتی فرنگی نیست. هفته آینده هم فینال لیگ کشتی آزاد برگزار می‌شود و چهار تیم استقلال جویبار، بانک شهر، خیبر خرم‌آباد و ستارگان ساری باید به صورت ضربدری به مصاف هم بروند. تیم استقلال جویبار پیش از این موفق به جذب سه کشتی‌گیر مطرح روس شده بود، همچنین پرافتخارترین کشتی‌گیر ایران حسن یزدانی با قرارداد هفت میلیاردی قرار است در دو بازی آخر برای استقلال جویبار به روی تشک برود. حالا خبر رسیده که بانک شهر هم با عبدالرشید سعداله‌یف کشتی‌گیر مطرح جهان از روسیه برای مبارزه در لیگ ایران به توافق رسید.

حسن یزدانی بعد از مسابقات المپیک پاریس کتف مصدومش را دوباره به دست جراحان سپرد و برای بار دوم زیر تیغ جراحی رفت و حتی در مسابقات جهانی زاگرب هم پس از ۱۰ سال غایب بود. حالا یزدانی که این روزها به دلیل جراحی کتف به دو وزن بالاتر آمده باید با عبدالرشید سعداله‌یف کشتی‌گیر مطرح روس در لیگ ایران در وزن ۹۷ کیلوگرم سرشاخ شود. بدون شک جدال این دو کشتی‌گیر بسیار جذاب و دیدنی خواهد بود.

لیگ والیبال در ایستگاه چهارم

هفته چهارم لیگ برتر والیبال از امروز در حالی آغاز می‌شود که حساس‌ترین بازی هفته جدال شهداب و پیکان در یزد است. شاگردان مهدوی در تیم شهداب با سه پیروزی و ۹ امتیاز در صدر جدول قرار دارند که اگر امروز شکست بخورند، صدرنشینی را از دست می‌دهند. پیکان هم با هدایت محمدرضا تندروان با دو برد و ۶ امتیاز در جایگاه ششم قرار دارد و برای پیروزی و جبران شکست مقابل چادرملو به میدان خواهد آمد.

فولاد سیرجان ایرانیان هم که با کسب سه پیروزی و هشت امتیاز در رتبه دوم قرار دارد این هفته در نور به مصاف مهرگان می‌رود. شاگردان عطایی زمان ریکاوری زیادی نداشتند و به همین خاطر این مسابقه برای آنها سخت خواهد بود. تیم مهرگان نور که هفته گذشته موفق به شکست استقلال گنبد شده، انگیزه زیادی دارد تا مهمان خود را غافلگیر کند و شرایطش را در لیگ بهبود ببخشد.

در دیگر تقابل هفته، سپاهان رده سومی باید با سایپایی بازی کند که هنوز رنگ برد را در لیگ ندیده است. نبرد بعدی رویارویی تازه‌واردهاست. استقلال گنبد که بعد از چند سال به لیگ برگشته اوضاع خوبی ندارد و دیگر تیم بدون برد مسابقات است، باید به مصاف رازین پلیمر برود که در هفته دوم با پیروزی مقابل چادرملو شگفتی‌ساز شد و حالا در رده هشتم دیده می‌شود.

شهرداری ارومیه هم میزبان مس رفسنجان است و به دنبال یک برد خانگی مهم است. جدال دو تیم صنعتگران امید و چادرملو اردکان دیگر بازی این هفته است، دو تیم در هفته گذشته حریفان خود را شکست دادند و در تلاش هستند تا یک پیروزی دیگر در این هفته به دست بیاورند.

آخرین بازی این هفته هم دیدار دو تیم طبیعت و پاس گرگان است، این دو تیم به لحاظ جایگاهی نزدیک به هم هستند و تاکنون هر کدام با هم دو پیروزی دارند و برای کسب امتیاز و ارتقای جایگاه خود تلاش می‌کنند.

فوتبال ایران واقعا VAR دارد یا مسئولان شوخی‌شان گرفته؟

شوخی تلخ

آریا طاری

فوتبال ایران سال‌هاست که در عطش «عدالت» می‌سوزد. سال‌هاست که مربیان، بازیکنان و هواداران، ناکامی‌های فنی و مدیریتی خود را پشت دیوار بلند اشتباهات داوری پنهان می‌کنند. در چنین فضایی، ورود سیستم کمک‌داور ویدئویی (VAR) نه به عنوان یک ابزار کمک‌کننده، بلکه همچون منجی تبلیغ شد. فدراسیون فوتبال وعده داد که با آمدن این تکنولوژی، بساط حرف و حدیث‌ها برچیده می‌شود و لیگ برتر ایران هم‌تراز لیگ‌های معتبر جهان خواهد شد. اما حالا، در میانه فصل و در آستانه حساس‌ترین مسابقه‌سال (دربی)، آنچه می‌بینیم نه تکنولوژی است و نه عدالت؛ بلکه کاریکاتوری مضحک از هر دو است.

آنچه امروز در ورزشگاه‌های ایران تحت عنوان VAR نصب شده، بیشتر شبیه به یک پروژه کاردستی دبیرستانی است تا یک سیستم نظارتی فیفا. اتفاقات اخیر، از گم شدن فیلمبردار در بازی شمس آذر گرفته تا خط‌کشی‌های کج و معوج آفساید، نشان می‌دهد که ما نه تنها هنوز آماده پذیرش تکنولوژی نیستیم، بلکه با اجرای ناقص و آماتورگونه آن، بحران داوری را از اشتباه انسانی به بی‌کفایتی سیستمی ارتقا داده‌ایم.

بیایید روراست باشیم؛ آیا سیستمی که در ایران پیاده شده، واقعا VAR است؟ فلسفه وجودی کمک‌داور ویدئویی بر پایه سه رکن استوار است؛ تعداد بالای دوربین‌ها برای پوشش تمام زوایا، کیفیت تصویر فوق‌العاده بالا و نرم‌افزارهای پیشرفته برای آنالیز صحنه. آنچه در لیگ ایران می‌بینیم، هیچ‌یک از این سه ویژگی را ندارد. ما در حال تماشای صحنه‌های آهسته با دوربین‌های صداوسیما هستیم که خودشان سال‌هاست از استانداردهای پخش جهانی عقب مانده‌اند. وقتی منبع تصویر (Source) بی‌کیفیت است، داورِ داخل اتاق VAR دقیقا چه چیزی را قرار است چک کند؟ پیکسل‌های شطرنجی را؟

تصاویری که گاهی از مانیتور داور پخش می‌شود، یادآور فیلم‌های عروسی دهه ۷۰ شمسی است. نویز تصویر، عدم وضوح در زوم کردن و فریم‌ریت پایین باعث می‌شود تشخیص برخورد توپ با دست یا پای بازیکن، بیشتر به حدس و گمان شبیه باشد تا یقین. وقتی داور وسط مجبور می‌شود پنج دقیقه به یک صفحه نمایش کوچک زل بزند و در نهایت هم با تردید سوت بزند، یعنی ابزار کارآمد نیست. ما نام VAR را یدک می‌کشیم، اما در عمل، در حال بازبینی تلویزیونی با کیفیتی پایین‌تر از دوربین گوشی‌های موبایل هستیم. این توهین به شعور مخاطب و جامعه فوتبال است.

در کجای دنیای حرفه‌ای فوتبال، در لیگی که ادعای حرفه‌ای بودن دارد و میلیاردها تومان در آن جابه‌جا می‌شود، فیلمبردار یکی از دوربین‌های اصلی VAR وسط بازی قهر می‌کند و می‌رود؟ این اتفاق فراتر از یک اشتباه فردی است؛ این نشانه فروپاشی ساختار است

یکی از جنجالی‌ترین بخش‌های این داستان، تکنولوژی خط آفساید است. در دنیای مدرن، سیستم‌های نیمه‌خودکار و سنسورهای تعبیه شده در توپ و دوربین‌های اختصاصی، میلی‌متر‌ها را محاسبه می‌کنند. اما در ایران چه خبر است؟ ماجرا بیشتر شبیه به نقاشی با نرم‌افزار پینت ویندوز است. خطوطی که روی تصاویر بی‌کیفیت کشیده می‌شوند، اغلب پرسپکتیو درستی ندارند. زاویه دوربین‌ها در بیشتر ورزشگاه‌های ایران (شاید به جز آزادی که آن هم در حال تعمیر است) اصلا برای آنالیز آفساید مناسب نیست. وقتی دوربین دقیقا روی خط آفساید نیست، هر خطی که نرم‌افزار رسم کند، دارای خطای دید خواهد بود.

اتفاقاتی که در بازی‌های اخیر افتاده و گل‌هایی که میلی‌متری مردود یا قبول شده‌اند، با این کیفیت تصویر، هیچ اعتباری ندارند. وقتی نمی‌توانید نقطه دقیق جدا شدن توپ از پای پاسور را به دلیل تاری تصویر تشخیص دهید و وقتی نمی‌توانید انتهای بدن مدافع را به دلیل کیفیت پایین تفکیک کنید، رسم خط آفساید یک عمل نمادین و پوچ است. این وضعیت فقط بهانه جدیدی به دست تیم‌ها داده تا مدعی شوند که خط‌ها به نفع رقیب کج شده‌اند. تکنولوژی که قرار بود شک را از بین ببرد، خود به بزرگ‌ترین منبع تولید شک تبدیل شده است.

اگر بخواهیم نمادی برای وضعیت مدیریتی فوتبال ایران پیدا کنیم، اتفاقات بازی شمس آذر قزوین بهترین گزینه است. در کجای دنیای حرفه‌ای فوتبال، در لیگی که ادعای حرفه‌ای بودن دارد و میلیاردها تومان در آن جابه‌جا می‌شود، فیلمبردار یکی از دوربین‌های اصلی VAR وسط بازی قهر می‌کند و می‌رود؟ این اتفاق فراتر از یک اشتباه فردی است؛ این نشانه فروپاشی ساختار است. وقتی زیرساخت انسانی و فنی فراهم نیست، آوردن تجهیزات چه سودی دارد؟ در همان لحظات غیبت فیلمبردار بود که صحنه مشکوک در محوطه جریمه شمس آذر رخ داد. داور باید چه می‌کرد؟ به مربیان می‌گفت: «شرمنده، آقای فیلمبردار رفته دستشویی یا چای بخورد؟»

این حادثه نشان داد که VAR در ایران نه یک سیستم یکپارچه، بلکه مجموعه‌ای از قطعات ناسازگار است که با چسب و ریسمان به هم وصل شده‌اند. صداوسیما ساز خودش را می‌زند، فدراسیون ساز خودش را، و شرکت‌های پیمانکار هم در این میان سرگردانند. این سطح از آماتوریسم در قرن بیست‌ویکم، آن هم در فوتبالی که مدعی آقایی در آسیاست، مایه شرمساری است. ما حتی نمی‌توانیم نیروی انسانی را مدیریت کنیم که سر پستش بماند، آن وقت انتظار داریم آفساید نیمه‌خودکار را اجرا کنیم؟

حالا با این کوله‌بار از مشکلات، به استقبال دربی می‌رویم. مسابقه‌ای که حتی با بهترین داوران و تکنولوژی‌ها هم همواره آبستن حاشیه است. حال تصور کنید دربی با این «شبه VAR» برگزار شود. هواداران استقلال و پرسپولیس همین حالا هم معتقدند VAR در بازی‌های قبلی علیه آنها بوده است. با هر سوت مشکوک در دربی و هر بازبینی طولانی، این ذهنیت تقویت می‌شود که «اتاق VAR دارد نتیجه را مهندسی می‌کند.»

سیستم فعلی VAR در دربی، نه تنها آتش را خاموش نمی‌کند، بلکه مثل بنزین روی آتش تعصبات کورکورانه عمل خواهد کرد. فدراسیون با اصرار بر استفاده از این سیستم ناقص در چنین بازی بزرگی، ریسک بزرگی کرده است. اگر اشتباه فاحشی رخ دهد که VAR به دلیل کیفیت پایین نتواند آن را اصلاح کند، اعتبار نداشته داوری ایران برای همیشه دفن خواهد شد.

نمی‌توان از این ماجرا نوشت و به جنبه‌های مالی و مدیریتی آن اشاره نکرد. سوال اینجاست، چرا این سیستم ناقص با این عجله وارد شد؟ آیا فشارهای AFC بود یا نمایش مدیریتی آقای تاج و همکاران؟ به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال بیشتر به دنبال تیک زدن گزینه VAR در کارنامه خود بوده تا اجرای واقعی آن. آنها می‌خواستند بگویند ما هم VAR داریم، فارغ از اینکه این جعبه، توخالی است. قراردادها شفاف نیست، تجهیزات مشخصا از برندهای درجه یک و کامل نیستند (یا اگر هستند، زیرساخت استفاده از آنها فراهم نیست) و آموزش داوران هم در دوره‌های فشرده و ناکافی خلاصه شده است.

اینکه ما تجهیزات را اجاره کنیم یا با حداقل امکانات سر کنیم، نامش صرفه‌جویی نیست؛ نامش رفع تکلیف است. فوتبالی که باشگاه‌هایش صدها میلیارد تومان هزینه بازیکن می‌کنند، چطور نمی‌تواند چند میلیون دلار برای زیرساخت اساسی داوری هزینه کند؟ پاسخ روشن است؛ چون در فوتبال ایران، شو آف و نمایش دادن، خریدار بیشتری نسبت به کار زیربنایی دارد. VAR ابزاری شده برای مدیران که پشت آن پنهان شوند و بگویند ما تکنولوژی روز دنیا را آوردیم، در حالی که ما فقط لاشه تکنولوژی را به ایران آورده‌ایم.

اتفاقات اخیر داوری و ماجراهای طنزآمیز VAR در لیگ برتر، زنگ خطری بلند برای فوتبال ایران است. ادامه این روند با این کیفیت تصویر، با این خط‌کشی‌های مشکوک و با این نیروی انسانی غیرحرفه‌ای، خیانت به فوتبال است. آقایان مسئول! VAR فقط چند دوربین و یک مانیتور نیست؛ VAR یک اکوسیستم است که شامل دوربین‌های با کیفیت تلویزیونی، کارگردانی حرفه‌ای، داوران آموزش‌دیده مسلط و اینترنت و زیرساخت قوی است. وقتی شما هیچ‌کدام از این‌ها را ندارید و فقط اسم VAR را یدک می‌کشید، در واقع دارید عدالت را به سخره می‌گیرید.

ادامه دادن با این وضعیت، یعنی دعوت رسمی از بحران و آشوب به استادیوم‌ها. فوتبالی که فیلمبردارش وسط بازی غیب می‌شود، نباید ادعای VAR داشته باشد. این تکنولوژی برای کمک به داوران است، نه برای اینکه داور بیچاره را وسط زمین با یک مانیتور خاموش یا تصویر تار تنها بگذارید تا فحش بخورد. این شبه VAR را جمع کنید یا قبل از اینکه در دربی، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر رقم بزند، فکری به حال آن بکنید!

به نظر می‌رسد فدراسیون فوتبال بیشتر به دنبال تیک زدن گزینه VAR در کارنامه خود بوده تا اجرای واقعی آن. آنها می‌خواستند بگویند ما هم VAR داریم، فارغ از اینکه این جعبه، توخالی است

چهره به چهره

وقتی چشم‌های فدراسیون تاریخ‌سازی را نمی‌بیند

صفر تومان پاداش برای برد تاریخی

نازنین دشتی

جام جهانی فوتسال زنان ۲۰۲۵ رفته‌رفته به آخرین روزهای خود نزدیک می‌شود. مسابقاتی که نخستین دوره رسمی آن زیر نظر فدراسیون جهانی فوتبال در حال سپری شدن است و اتفاق مهم آن بود که تیم ملی زنان کشورمان هم در جمع ۱۶ تیم حاضر در آن دیده می‌شد. تیمی که مدت طولانی است زیر سایه بی‌توجهی و فراموشی فدراسیون قرار گرفته اما با این حال توانست مجوز مهم‌ترین تورنمنت فوتسالی زنان را به دست بیاورد و اتفاقا نمایش درخشانی هم در این میدان داشت. شاید اگر زنان ایران در گروه مرگ قرار نمی‌گرفتند، به مرحله حذفی صعود می‌کردند اما آنها با وجود عملکرد خوب‌شان نتوانستند از مرحله گروهی صعود کنند تا وداعی پر از اشک و حسرت با جام جهانی داشته باشند.

ملی‌پوشان در نخستین مسابقه خود برابر برزیل قرار گرفتند که عنوان بهترین تیم فوتسال زنان دنیا را یدک می‌کشد و طبیعی بود که بر دزد پوشان محقق شود و این دیدار با نتیجه چهار بر یک به سود برزیل به پایان رسید. پاناما، دومین حریف تیم ملی بود که ایران توانست از آن عبور کند و به دیدار دشوار سوم برسد؛ جایی که ایتالیا انتظار ایران را می‌کشید و در نهایت توانست رقیب کم‌تجربه خود را شکست دهد. نکته غم‌انگیز این برد جایی بود که ایران در نیمه اول مقابل ایتالیا برتری داشت اما نتوانست نتیجه را به سود خود نگه دارد و در نهایت در پایان بازی سوم، به ماجراجویی خود در فیلیپین پایان داد.

اما فوتسال زنان در مسیر آماده‌سازی خود چه برنامه‌ای داشت؟ طبیعتا تیمی که در چنین تورنمنتی حضور دارد، با بهترین برنامه آماده رویارویی با رقبایش می‌شود. اما زنان ایران در ۱۸ روز حضور در پاسیگ دو بازی دوستانه مقابل لهستان و نیوزیلند انجام دادند که به ترتیب به تساوی یک-یک و پیروزی ۶ بر یک دست یافتند. پیش از این هم آنها دو بار برابر روسیه قرار گرفتند و یک تساوی و یک برد کسب کردند.

نکته بسیار قابل تامل در اینجا، میزان حمایت مالی فدراسیون از زنان فوتسالیستش است. شنیده می‌شود جمع پول توجیبی‌های فدراسیون برای ۱۸ روز اقامت در پاسیگ ۳۰۰ یورو و ۲۰۰ دلار بوده است! رقمی که اگر آن را برای بازیکنان تیم ملی فوتبال مردان در نظر بگیرند، آسمان را به زمین می‌دوزند و حاضر نمی‌شوند حتی یک قدم وارد مستطیل سبز شوند. اتفاق تلخ‌تر این است که مسئولان فدراسیون حتی برای برد تاریخی این تیم مقابل پاناما هم ارزشی قائل نشدند و هیچ پاداشی برای زنان فوتسال در نظر نگرفتند. این در حالی است که تیم ملی فوتبال مردان حتی برای شکست‌هایش هم پاداش‌های آنچنانی می‌گرفت و حواله وارد کردن خودروهای لوکس را به دست می‌آورد. درست است که تیم ملی مردان فوتبال بیشتر دیده می‌شود و در همه دنیا جایگاه بالاتری دارد اما این حجم از تبعیض را هم در هیچ کشوری نمی‌توان پیدا کرد.

البته تبعیض گذاشتن بین فوتبال مردان و تمام رشته‌های زنان تحت مدیریت فدراسیون فوتبال، به عادتی در این نهاد تبدیل شده است. چرا که نهایت دست و دلبازی فدراسیون برای صعود زنان فوتبال به جام ملت‌های آسیا و صعود زنان فوتسال به جام جهانی، پاداش ۵۰ میلیون تومانی به اعضای تیم بود که تازه پنج میلیون تومان هم از آن مالیات کم شد! در چنین شرایطی از تیم‌های زنان چه انتظاری می‌توان داشت؟ وقتی آنها با دست‌های خالی و بدون حمایت تاریخ‌سازی می‌کنند و این اقدام‌شان بدون ارزش می‌ماند، آیا می‌توان انتظار داشت که برای دوره‌های بعدی دست به کار بزرگ‌تری بزنند؟ این تبعیض‌ها به جز از بین بردن انگیزه آنها نتیجه دیگری دارد؟

به خصوص که شنیده می‌شود یک چهره ایرانی در فیلیپین دست به جیب شده و به هر کدام از نفرات تیم مبلغ هشت میلیون تومان پاداش داده است. قبل از این هم افراد غیرورزشی برای حمایت از تیم ملی فوتسال زنان دست به جیب شده بودند و انگار فدراسیون هم برایش مهم نیست که این وظیفه بر عهده آنهاست و اینکه دیگران به این مساله ورود می‌کنند، اتفاق زیبنده‌ای نیست. اینکه افراد حامی نیت خیر داشته‌اند بحثی جداست اما رقم‌های پرداختی هم در حد و اندازه‌ای نبوده که شایسته اعضای تیم باشد و اینجاست که بار دیگر ضعف فدراسیون و بی‌مسئولیتی آنها پررنگ می‌شود. نهادی که اگر به بخش زنانش به چشم فرزند سر راهی نگاه نمی‌کرد، این تیم‌ها می‌توانستند سایه موفقیت‌شان را روی ناکامی‌های تیم ملی مردان بیندازند که تنها ادعا دارند و بس.

اتفاق روز

نگاهی به تیم صدرنشین و فانوس به دست لیگ برتر

روزهای جهنمی آبی‌ها

در پایان هفته یازدهم لیگ برتر، استقلال تهران توانست با برد مهمی که برابر فولاد به دست آورد، صدر جدول را از پرسپولیس پس بگیرد و آسمان لیگ را آبی کند. از سوی دیگر مس رفسنجان بحران‌زده هم نتوانست مقابل سپاهان شگفتی خلق کند و با شکست خانگی برابر تیم محرم نوید کیا، فانوسش را پرنورتر کرد. به همین بهانه نگاهی خواهیم داشت به دو تیمی که ابتدا و انتهای جدول را به نام خود زده‌اند.

استقلال که حالا کاملا از روزهای بحرانی‌اش فاصله گرفته، با فرم ویژه‌ای به دربی تهران رسیده است. به طوری که آبی‌ها در ۹ بازی اخیرشان (در لیگ برتر، جام حذفی و لیگ قهرمانان آسیا ۲) باختی را متحمل نشده و در این مدت ۶ برد و سه تساوی به دست آورده‌اند. اتفاق مهم آنکه این فرم خوب همان‌طور که اشاره شد استقلال را به صدر جدول و جمع ۱۶ تیم برتر جام حذفی رسانده و در لیگ قهرمانان آسیا ۲ هم امیدشان برای صعود از مرحله گروهی همچنان پابرجاست.

مسئولان سازمان لیگ به تازگی برنامه مسابقات را تا پایان هفته هفدهم اعلام کرده‌اند و از سوی دیگر، تقویم زمان‌بندی مسابقات مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی هم مشخص شده است. تقویمی که شرایطی ویژه را علیه شاگردان ریکاردو ساپینتو به وجود آورده است؛ آن هم در حالی که استقلالی‌ها در گام نخست باید عصر جمعه در ورزشگاه امام خمینی اراک به مصاف پرسپولیس در داربی پایتخت بروند.

آبی‌ها بعد از گذشت پنج روز از دربی باید از ملوان میزبانی کنند و سپس آماده سه سفر (دو بازی داخلی و یک بازی آسیایی) شوند. آنها ۲۴ آذرماه مهمان خیبر هستند، سپس ۲۸ آذرماه باید در بندرعباس به مصاف فولاد هرمزگان بروند و سوم دی‌ماه هم مهمان المحرق در هفته پایانی مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا ۲ خواهند بود که فقط در صورت کسب پیروزی برابر حریف بحرینی، شانس صعود به مرحله حذفی مسابقات آسیایی را دارند. این یعنی پنج بازی مهم در طول ۱۹ روز که چهار بازی خارج از تهران انجام خواهد شد. مدیران باشگاه استقلال با توجه به تراکم بازی‌های شان درخواست معوق شدن نبرد با فولاد هرمزگان را کرده‌اند تا بتوانند در شرایط بهتری مهیای سفر به منامه شوند. با این وجود، فعلا موافقتی با درخواست آبی‌ها نشده و اگر موافقتی صورت نپذیرد، استقلالی‌ها باید برای انجام پنج مسابقه آماده شوند که باید دید در چنین شرایطی، آبی‌پوشان موفق به حفظ فرم درخشان خود در ۹ بازی اخیر می‌شوند و روند شکست‌ناپذیری‌شان ادامه دارد و می‌توانند به مراحل بالاتر در جام حذفی و سطح دوم لیگ قهرمانان آسیا برسند یا خیر.

وقت تغییر رسیده

مس رفسنجان هفته یازدهم لیگ برتر را با تحمل سنگین‌ترین شکست هفته به پایان برد و نارنجی‌پوشان باختی سه بر صفر را برابر سپاهان اصفهان متحمل شدند تا قعرنشین جدول لیگ بیست و پنجم بمانند. مس از ۱۱ بازی ابتدایی‌اش در فصل جاری فقط هفت امتیاز کسب کرده و ثبت این آمار سبب شده تا چوب خط رسول خطیبی پُر شود و بعد از دیدار با سپاهان بود که حکم اخراج این سرمربی صادر شد.

خطیبی در حالی به نقطه پایان دوره حضورش روی نیمکت مس رسید که نارنجی‌پوشان جمعه چهاردهم آذرماه در بندرانزلی مهمان ملوان هستند و با توجه به فاصله زمانی کوتاه بین بازی‌ها، مدیران باشگاه مس درصدد آن هستند تا سرمربی جدید تیم‌شان را انتخاب کنند. اتفاق مهم آنکه جلسه‌ای هم با محوریت انتخاب سرمربی جدید برگزار شده اما خبری از انتخاب گزینه نهایی نبوده و در این بین، نام چهره‌های جالب توجهی روی میز آمده است که احتمالا جانشین خطیبی از میان آنها برگزیده خواهد شد.

یکی از این گزینه‌ها محمد ربیعی است. کسی که مس را به لیگ برتر رساند و خاطرات خوشی در این تیم دارد. ربیعی بعد از جدایی از ذوب‌آهن، در ابتدای فصل با خیبر خرم‌آباد قرارداد همکاری امضا کرد اما پیش از شروع لیگ از جمع لرتباران جدا شد. او فعلا برای بازگشت به نیمکت مس چراغ سبزی به مدیران باشگاه نشان نداده و گویا شروط مطرح‌شده از سوی او، بالاتر از حد توان مسئولان باشگاه رفسنجانی است و همین مساله سبب شده تا بازگشت ربیعی به رفسنجان فعلا نشدنی باشد.

ساکت الهامی که تجربه سرمربیگری در مس رفسنجان را دارد، دیگر گزینه مطرح‌شده برای هدایت نارنجی‌پوشان است و گفته می‌شود که رایزنی‌های اولیه با او هم انجام شده؛ آن هم در شرایطی که الهامی پس از پایان دوره حضورش در نساجی، سعی کرده دور از عرصه مربیگری باشد و با وجود دریافت پیشنهادات از تیم‌های مختلف، به عرصه مربیگری بازنگشته و فعلا مذاکرات او با مسی‌ها هم پیشرفت چشمگیری نداشته اما گفته می‌شود که الهامی جزو جدی‌ترین گزینه‌های هدایت مس است.

مسی‌ها گزینه‌های دیگری از جمله مهدی رجب‌زاده، فراز کمالوند و سیروس پورموسوی هم مدنظرشان دارند که هر سه سرمربی در لیگ یک مشغول به فعالیت هستند و بعید است که بخواهند تیم‌های فعلی خود را رها کنند. در این بین، نام وحید هاشمیان، سرمربی سابق پرسپولیس هم به عنوان گزینه هدایت مس مطرح شده و بر حسب آخرین خبرها، احتمالا انتخاب نهایی از بین ربیعی، الهامی و هاشمیان خواهد بود که گفته می‌شود احتمالا طی امروز و فردا از سرمربی جدید رونمایی خواهد شد. کسی که سکان هدایت مس را قبول کند، ریسک بزرگی را پذیرفته چرا که کندن مس از قعر جدول، کار راحتی نخواهد بود.